

واقعیات وضعیت تولید در ایران، بدیهی تر از آن است که مسائل مربوط به آن را بازگویی چندین باره کرد. قوانین و مقررات، نرخ بهره، نرخ تورم، مسائل کارگری، عقب افتادگی تکنولوژیکی و فرهنگ مصرف و در نهایت برنامه استراتژیک برای صنعت نساجی، مطالبی است که بارها بازگو شده و متولیان بخش صنعت شاید این موضوعات را بهتر از صنعتگران بدانند و آن طور که می‌دانیم طی سالیان گذشته کمتر تلاشی برای بهبود وضعیت تولید در کشور صورت گرفته تا آنجا که برخی قوانین مقطعی و طرح‌های حمایت از تولید داخلی نیز موفقیتی را در پی نداشته‌اند. عوامل مختلفی برای عدم توفیق در طرح‌های مربوط به توسعه کسب و کار در کشور برشمرده می‌شود که عملکرد جزیره‌ای دستگاه‌های متولی بخش تولید و صنعت، قوانین نامناسب و بعضاً ضد تولید و عدم تلاش کافی جهت تغییر این قوانین، عدم مشاوره لازم متولیان با تشکل‌های صنعتی و اصولاً اولویت نداشتن بخش تولید در کشور با وجود درآمدهای دیگری که دولت از محل تولید نفت یا حوزه‌های دیگری مانند معادن و بازرگانی بدست می‌آورد، از این جمله‌اند. اما شاید بتوان یکی از عوامل مهم این عدم توفیق را در عملکرد صنعتگران و در نهایت عدم انسجام کافی میان ایشان و تشکل‌های صنعتی مربوطه دنبال کرد. جایی که از تشتت آراء و عدم همبستگی لازم میان تولیدکنندگان و تشکل‌های مربوطه، متولی مربوطه استفاده کرده و با ارجاع معضلات به خود تولیدکنندگان و این که خود صنعتگران هم برنامه خاصی جهت بهبود هر شاخه از صنعت ندارند، مسائل را به تعویق می‌اندازد تا در طول مدیریت خود با مشکل خاصی برخورد نکند! این در صورتی است که کشورهای همسایه و برخی کشورهای پیشرو در صنعت نساجی، با برنامه‌ریزی صنعتگران خود و حمایت دولت‌هایشان بازارهای منطقه‌ای و جهانی را فتح می‌کنند، در کشور ما عکس این حالت اتفاق می‌افتد و قوانین روزها و ماه‌ها بعد از تصویب متولیان، تازه به گوش صنعتگران می‌رسد. مثال واضح این امر در موضوع اخیر وضع تعرفه‌های ترجیحی بین ایران و ترکیه اتفاق افتاده است. قانونی که مدت‌ها بعد از تصویب آن در دولت، به اطلاع بخش خصوصی رسیده و جالب اینجاست که اداره کل هم در این خصوص در مقابل عمل انجام شده قرار گرفته است و در نهایت مشخص نیست وضع این تعرفه‌ها، توسط کدام کمیته کارشناسی صورت گرفته است! البته بحث در اینجا در مورد خوب و بد بودن وضع تعرفه‌های گمرکی یا بحث تجارت آزاد نیست. مطلب مهم در اینجا است که کدام مرجع کارشناسی بهتر از تشکل‌های مربوطه صنعتی در وضع قوانین مربوط به هر شاخه از صنعت می‌تواند به متولیان مشاوره بهتری دهد و چگونه است که در این خصوص، تشکل‌های مربوطه در ته صف قرار می‌گیرند؟ متأسفانه در کشور ما ضرب المثلی صدق می‌کند که می‌گوید «حق گرفتاری است!» به نظر می‌رسد وجود برنامه در تشکل‌های صنعتی و برخورد فعالانه و قدرتمند آنها با مسائل مربوطه تا حدی می‌تواند از بار سنگین مشکلات موجود بکاهد.